



University of Tehran press

A semiotic Analysis of body language in the novel “sleeping in the cherry Field” by Azhar Jerjis



Zahra jalilian \*✉ ID 0000-0009-0690-3191

PhD Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.

Email: z.jalii1988@gmail.com



mohammadnabi ahmadi \*\* ID 0000-0002-1032-5939

Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.

Email: mn.ahmadi217@yahoo.com



Jahangir Amiri \*\*\* ID 0000-0003-0605-7961

Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.

Email: gamiri686@gmail.com



Touraj Zinivand \*\*\*\* ID 0000-0001-6251-4651

Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.

Email: t\_zinivand56@yahoo.com

ABSTRACT

Fiction is full of non-verbal cues, including body language cues. Examining stories from the perspective of non-verbal communication, especially body language, which is a chain of extensive cues and messages are received according to the context of communication, can lead to a new reading of the text. Azhar Jerjis in the novel “sleeping in the cherry Field” has used the signs of body language, including the language of the eyes, hands, head, touch, limbs and physical appearance. This research intends to use descriptive-analytical method based on semiotic approach to analyze the role and position of body language and their function in this novel. Research findings show Jerjis messages such as; Astonishment, anxiety, anger and rage, forgetfulness, fear, etc. are conveyed to the audience through body language, the unveiling of which plays an important role in discovering the message hidden in the text. Among the non-linguistic behaviors mentioned in the novel, eye language with (32%) has the most role during message transmission and language of physical appearance (facial hair) with (2%) has the least role and body language in this novel is more, alternative and substitute. It has become verbal communication but in some cases it has emphasized more to complete the verbal message or verbal messages. The use of body language in this novel has increased the theatrical capacity of the story.

ARTICLE INFO

Article history:  
Received: 09 February 2022  
Received in revised form 10 June 2022  
Accepted: 11 June 2022  
Available online: Spring2023

Keywords:

semiotics, body language, non-verbal communication, Azhar Gergis. “sleeping in the cherry Field”

jalilian, Z., ahmadi, M., amiri, J., & zinivand, T. (2023). A semiotic Analysis of body language in the novel “sleeping in the cherry Field” by Azhar Jerjis. *Journal of Foreign Language Research*, 13 (1), 20-38.



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jflr.2022.337207.929>

\*PhD Arabic Language and Literature / The author of three research articles "Mamluk rhetoric, its mechanisms and contents" , "Kinematics of body language in Nahj al-Balagha based on the theory of "Paul Ekman and Wallace Friesen" with three approaches "origin-encoding-use" and "comparative reflection on "silent speech" in two novels: "Sleeping in the cherry field " by Azhar Jerjis and "Hamnoai Shabana Chobha Orchestra" by Reza Ghasemi based on the theory of " Ekman and Friesen / author of two conference papers

\*\* Head of Razi University / Author of more than 30 scientific research articles / Author of more than 50 international and national conference articles / Various responsibilities / Membership in various working groups / Author of several books / Guidance and counseling of more than 30 theses.

\*\*\* Full professor/30 years of teaching experience in the group/director of the group/author of several books/author of more than 70 research articles/author of 30 conference and promotional articles.

\*\*\*\* Full Professor/ Head of Razi University Department/ Author of several books/ Author of 110 research papers/ Author of 40 conference papers and 30 conference papers




انتشارات دانشگاه تهران

## پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی

شاپای چاپی: ۴۱۲۳-۲۵۸۸ شاپای الکترونیکی: ۷۵۲۱-۲۵۸۸  
https://jflr.ut.ac.ir Email: jflr@ut.ac.ir

### نشانه‌شناسی زبان بدن در رمان النوم فی حقل الککز اثر «أزهر جرجیس»

**زهرا جلیلیان \***  ID: 0000-0009-0690-3191  
گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.  
Email: z.jalii1988@gmail.com



**محمد نبی احمدی \*\***  ID: 0000-0002-1032-5939  
گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.  
Email: Mn.ahmadi217@yahoo.com



**جهانگیر امیری \*\*\***  ID: 0000-0003-0605-7961  
گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.  
Email: gamiri686@gmail.com



**تورج زینی‌وند \*\*\*\***  ID: 0000-0001-6251-4651  
گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.  
Email: t-zinivand56@yahoo.com



#### چکیده

ادبیات داستانی سرشار از نشانه‌های غیرکلامی از جمله علائم زبان بدن است. بررسی داستان‌ها از منظر ارتباطات غیرکلامی به‌ویژه زبان بدن که زنجیره‌ای از نشانه‌های گسترده است و پیام‌های متنوعی با توجه به بافت ارتباطی دریافت می‌شود، می‌تواند به خوانشی تازه از متن منجر شود. *أزهر جرجیس* عراقی در رمان *النوم فی حقل الککز* از علائم زبان بدن از جمله زبان چشم، دست، سر، لامسه، اندام و ظاهر فیزیکی بهره برده است. این پژوهش درصدد است با استفاده از روش توصیفی، تحلیلی با تکیه بر رویکرد نشانه‌شناسی به واکاوی نقش و جایگاه زبان بدن و کارکرد آنها در این رمان بپردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد جرجیس پیام‌هایی چون: تعجب و حیرت، اضطراب، خشم و غضب، فراموشی، ترس و... را به واسطه زبان بدن به مخاطب انتقال می‌دهد که پرده‌برداری از آنها در کشف پیام نهفته در متن سهم بسزایی دارد. از میان رفتارهای غیرزبانی در رمان ذکر شده، زبان چشم با (۳۲ درصد) در جریان انتقال پیام بیشترین نقش و زبان ظاهر فیزیکی (موی صورت) با (۲ درصد) کمترین نقش را دارد و زبان بدن در این رمان بیشتر، جایگزین و جانشین ارتباط کلامی شده است اما در مواردی نیز برای تکمیل کردن پیام کلامی یا پیام‌های کلامی را مورد تأکید بیشتر قرار داده است. به‌کارگیری زبان بدن در این رمان موجب افزایش ظرفیت نمایشی داستان شده است.

#### اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۱۱/۲۱  
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۳/۲۰  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۱  
تاریخ انتشار: بهار ۱۴۰۲  
نوع مقاله: علمی پژوهشی

#### کلید واژگان:

نشانه‌شناسی، زبان بدن، ارتباطات غیرکلامی، *أزهر جرجیس*، *النوم فی حقل الککز*.

جلیلیان، زهرا، احمدی، محمدنبی، امیری، جهانگیر، و زینی‌وند، تورج. (۱۴۰۲). نشانه‌شناسی زبان بدن در رمان *النوم فی حقل الککز* اثر «أزهر جرجیس». *پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی*، ۱۳ (۱)، ۲۰-۳۸.  
Publisher: University of Tehran Press.

© The Author(s).



DOI: <http://doi.org/10.22059/jflr.2022.337207.929>

\* نویسنده سه مقاله پژوهشی «الخطابة المملوكية ألياتها ومضامينها»، «حركات شئناسی زبان بدن در نهج البلاغه بر اساس نظریه «بیل اکمن و والس فریسن» با سه رویکرد «منشأ-مزگذاری-کاربرد» و «تأملی تطبیقی بر گفتارهای بی‌صدا در دو رمان النوم فی حقل الککز از *أزهر جرجیس* و هم‌نویابی شبانه ارکستر چوبها از رضا قاسمی بر پایه نظریه اکمن و فریسن»/ نویسنده دو مقاله همایشی.

\*\* ریاست دانشگاه رازی/ نویسنده بیشتر از ۳۰ مقاله علمی پژوهشی / نویسنده بیشتر از ۵۰ مقاله همایشی بین المللی و ملی / مسؤولیت‌های مختلف / عضویت در کارگروه‌های مختلف / تألیف چند کتاب / راهنمایی و مشاوره بیشتر از ۳۰ پایان‌نامه.

\*\*\* استاد تمام/ سی سال سابقه تدریس در گروه/ مدیر گروه/ تألیف چندین کتاب/ نویسنده بیشتر از ۷۰ مقاله پژوهشی/ نویسنده ۳۰ مقاله همایشی و ترویجی.

\*\*\*\* استاد تمام/ سرپرست حوزه ریاست دانشگاه رازی/ تألیف چندین کتاب/ نویسنده ۱۱۰ مقاله پژوهشی/ نویسنده ۴۰ مقاله کنفرانسی و ۳۰ مقاله همایشی.

پژوهش حاضر است. نگارنده، در پی پاسخی به سؤالات ذیل است:

- اهداف آزر جرجیس در استفاده از تکنیک ارتباطات غیرکلامی به‌ویژه زبان بدن کدامند؟

- زبان بدن در این رمان با بهره‌گیری از چه ابزارهایی و با چه کارکردهایی انجام شده است؟

## ۲. پیشینه پژوهش

یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که رمان *النوم فی حقل الکرز اثر آزر جرجیس*، تاکنون در هیچ پژوهش علمی مورد بررسی قرار نگرفته است. این رمان در سال ۲۰۱۹ م. برای اولین بار به چاپ رسیده است که نامزد بهترین رمان جایزه بوکر عربی در سال ۲۰۲۰ م. شده است؛ اما پژوهش‌هایی درباره فرآیند ارتباط غیرکلامی در دیگر آثار صورت گرفته است که در ذیل به مواردی از آنها اشاره می‌شود:

دانشگر (۱۳۸۶)، در مقاله‌ای با عنوان «نقش ارتباطات

غیرکلامی در داستان پردازی مولانا» با بهره‌گیری از منابع علمی ابتدا منظور از این اصطلاح، اصول ارتباطات غیرکلامی، ویژگی‌های آن، شباهت‌ها و تفاوت‌های آن با ارتباطات کلامی را شناسایی و سپس چگونگی استفاده مولانا از این ابزار ارتباطی را در مثنوی به‌ویژه در داستان پردازی آن بازگو می‌کند.

افراخته (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «ارتباط غیرکلامی

در روایت‌های تاریخ بیهقی» انواع رفتارهای غیرکلامی مثل: حرکات، اشارات بدن، زمان، مکان، مصنوعات، پیرایان، رفتارهای چهره و تماس بدنی را تحلیل، طبقه‌بندی و رمزگشایی نموده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ارتباطات غیرکلامی در تاریخ بیهقی بیشتر برای تکمیل کردن پیام کلامی به کار رفته‌اند. هم‌چنین از میان رفتارهای غیرکلامی بیشتر حرکت اندام‌ها و ارتباط دیداری در جریان انتقال پیام نقش دارند.

از جمله پژوهش‌هایی که در ادبیات عرب در حوزه ارتباطات غیرکلامی صورت گرفته است می‌توان به:

باوان‌پوری، غیبی، حاجی‌زاده و پروینی (۱۳۹۸) در مقاله

«نشانه‌شناسی ارتباطات غیرکلامی در رمان *الطیانی اثر*

*شکری المبخوت*» اشاره کرد. نتایج پژوهش نشانگر آن است

که المبخوت از حالت‌های مختلف چهره و کارکرد مربوط به

آن، بیشترین بهره را برده و این حالت برای بیان مواردی مانند:

ترس از وقوع امری عجیب، رضایت، تمسخر و تحقیر، خجالت،

شرم و... استفاده کرده است. در کنار این موارد، حالت‌ها و

از دیرباز نویسندگان و شاعران در توصیف شخصیت‌های داستان‌ها و اشعار خود توجه بسیاری به حالات و رفتار اشخاص داشته‌اند. به همین منظور در خلال داستان‌ها و اشعار خود به وفور رفتارهای غیرکلامی را به کار گرفته‌اند و از این طریق تأثیر بسیاری در درک و دریافت مخاطبان داشته‌اند. بسیاری از پژوهشگران بر آن بوده‌اند که با روش‌های پژوهشی خویش بتوانند حجم مؤثر رفتارهای غیرکلامی را در روابط بین فردی و اجتماعی مشخص کنند. بسیاری از آنان توفیق یافته‌اند که میزان نسبی رفتارهای غیرکلامی را در مقابل رفتارهای کلامی تخمین بزنند. یکی از پیش‌تازان و پیشروان مطالعات غیرکلامی، *بیردویسل (Birdwhistell)* مشخص کرده است که تنها ۳۵ درصد از معنی در یک وضعیت خاص با کلام به دیگری منتقل می‌شود، ۶۵ درصد باقیمانده آن در زمره غیرکلامی است.

(فرهنگی، ۱۳۷۳: ۲۷۲)

«نشانه‌های غیرکلامی، گذشته از اینکه در روابط اجتماعی و ایجاد ارتباط در زندگی روزمره کاربرد دارد، در هنرهای گوناگون از جمله تئاتر، سینما و ادبیات به شکل متنوع قابل مشاهده است؛ مثلاً زبان بدن در ژانرهای گوناگون ادبی مثل نمایشنامه، شعر و به‌ویژه رمان به‌عنوان متنی روایی کاربرد دارد. نویسنده یا شاعر از این نظام رمزگانی یا نشانه‌ای به مثابه وسیله‌ای مناسب برای انتقال پیام استفاده می‌کند همین امر سبب می‌شود تا انتقال پیام به مخاطب با سهولت بیشتری صورت پذیرد» (Kort, 1997: 4)

تشابه ساختارهای مرتب و منظم حرکت‌شناسی با زبان‌شناسی بسیار قابل توجه است و مشکل هر دانشمند حرکت‌شناس با زبان‌شناس یکسان است: «حرکت‌شناسی به انتزاع تغییرات ماهیچه‌ای مداومی توجه دارد که از ویژگی‌های نظام زیست‌شناختی مهم و ضروری برای فرآیند ارتباطی و در نتیجه، برای نظام‌های تعاملی گروه‌های اجتماعی خاص برشمرده می‌شود» (بیردویسل، ۱۹۷۰: ۱۹۲)

نشانه‌شناسی، یکی از پژوهش‌های میان‌رشته‌ای است که به تحلیل نشانه‌ها و درک معانی نهفته در آن‌ها می‌پردازد. ارتباط غیرکلامی نیز یکی از شاخه‌های نشانه‌شناسی است. هدف این پژوهش، معرفی، طبقه‌بندی، رمزگشایی و تحلیل زبان بدن و کارکرد آنها در رمان *النوم فی حقل الکرز اثر آزر جرجیس* است. بررسی آن از منظر نشانه‌شناسی ضرورت اصلی

اندام‌های دیگری نیز در رساندن پیام‌های نویسنده دخیل هستند و بیشترین کارکرد این پیام‌ها، کارکرد جانمایی است.

**باوان پوری (۱۳۹۹)** در مقاله «نشانه‌شناسانه کارکرد رفتارها و ارتباطات غیرکلامی در رمان *فرانکشتاین فی بغداد اثر احمد سعداوی*» از منظر نشانه‌های ارتباط غیرکلامی این رمان را در حالات چهره، حالات چشم، پیرازبان، اشیا، میزان فاصله و ... مورد بررسی قرار داده است.

**عبد الغنی ربابعة (۲۰۱۰م)** در پایان‌نامه‌ای با عنوان «*لغة الجسد فی القرآن الکریم*» به رفتارشناسی زبان بدن شخصیت‌ها در داستان‌های قرآنی پرداخته است و در پی اثبات وجود زبان بدن در قرآن کریم است.

**عبدالله المحروق (۲۰۱۱م)** در پژوهشی «*لغة الجسد فی المقامات الهمدانی*» به تحلیل تاریخچه زبان بدن و فرهنگ عربی و ارتباط آن با علوم دیگر مانند نشانه‌شناسی، قیافه‌شناسی پرداخته است. و نمونه‌هایی از زبان بدن در مقامات همدانی را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است.

**القادره (۲۰۱۳م)** در پایان‌نامه «*لغة الجسد فی أشعار صعالیک*» بیشتر به جنبه‌های روان‌شناسی و فلسفی زبان بدن پرداخته است و نویسنده مفهوم آن را در اشعار صعالیک بیان نموده است.

از جمله منابع عربی در زمینه زبان بدن می‌توان به نمونه‌هایی از قبیل: اسرار لغة الجسد اثر لیلی شحرور (۲۰۰۷)، لغة الجسد فی التراث العربی اثر خالد عبد الروؤف الجبر (۲۰۱۷)، لغة الجسد اثر أحلام فتوحی عبد الهادی (۲۰۱۵)، عالم لغة الجسد اثر ساره وهاجر عبد الرحمن (۲۰۲۰) اشاره نمود. از جمله منابع لاتین در زمینه زبان بدن عبارتند از:

1. the power of body language, **reiman Tonya** (2007)/2. Emotions Revealed, **Pual Ekman** (2003)/3. What Every body is saying, **Joe Navarro** (2008) /4. Body language, **Harvey segler** (2016)/5. Body language. How to read others thoughts their Gestures, **Allan pease and Barbara Pease** (2004)/6. Language & body language, **Vijendra pratap singh** (2018). /7. in literature, **Mellissa persival & body language others**(2000)/8. Rabbinic body language non verbal communication in palestinion Rabbinic literature of late antiquity, **Hazser Catherine** (2017).

### ۳. معرفی رمان

رمان *النوم فی حقل الکرز* اثر آزره جرجیس، خلاصه‌ای است از درد و رنج همه مردم عراق طی چهل سال و اینکه درد عرب نه تنها به سرزمین‌های عربی بلکه به تمام کشورهای خارجی تسری پیدا کرده است.

نویسنده، داستان را در دو مکان عراق و نروژ روایت می‌کند. سعید «راوی داستان» یک شهروند عراقی و دانشجوی رشته زبان و ادبیات عربی بوده است او با مادرش زندگی می‌کند و پدرش توسط نیروهای بعثی عراق دستگیر و زندانی می‌شود و هیچ وقت خبری از او به خانواده‌اش نمی‌دهند. براساس یک سری حوادث رخ داده در کشور عراق از جمله ناآرامی و مشکلات اقتصادی و ... سعید تصمیم می‌گیرد به کشور نروژ سفر کند. در طول سفر دچار سختی‌ها و مرارت‌های زیادی می‌شود و از چندین کشور به صورت غیرقانونی و از طریق ماشین‌های قاچاق انسان عبور می‌کند و به کشور نروژ می‌رسد. در آنجا پناهندگی می‌گیرد و در هتلی ساکن می‌شود. در اداره پست مشغول به کار می‌شود و با شخصی به اسم «تونا ینسین» آشنا می‌گردد و تصمیم به ازدواج با او می‌گیرد و فامیلی خود را به «ینسین» تغییر می‌دهد؛ اما مرگ تونا، سعید را به شدت متأثر می‌کند. در یکی از روزها عبیر دوست عراقیش، ایمیلی به او می‌فرستد و درخواست می‌کند که هر چه سریع‌تر خود را به عراق برساند؛ چرا که تفحص شهیدان به اتمام رسیده و باید برای گرفتن استخوان‌های پدرش برگردد. در زمانی که در نروژ زندگی می‌کند روح پدرش بارها جلوی چشمش ظاهر می‌شود؛ اما نمی‌تواند چهره او را واضح ببیند. در نهایت تصمیم می‌گیرد با پوشیدن شلوار لی و پیراهن سفید به وطن برگردد. سعید هنگام بازگشتش برای داشتن امنیت دو شناسنامه تقلبی برای خود فراهم می‌کند و روزی که استخوان‌های پدرش را با خود حمل می‌کند، اشخاصی نقابدار با گرفتن کیسه او استخوان‌های پدرش را زیر چرخ ماشینشان خرد می‌کنند و او را در سیاه چالی زندانی می‌کنند و به شدت مورد اذیت و آزار قرار می‌دهند. تا اینکه توسط یکی از همان نقابدارها از آنجا رهایی می‌یابد. در نهایت تصمیم می‌گیرد دوباره به نروژ برگردد. قبل از رفتن روزی با عبیر در هتلی قرار ملاقات می‌گذارد؛ اما در اثر ناآرامی‌هایی که در عراق وجود دارد، انفجار مهیبی رخ می‌دهد و همه را غرق در خون می‌کند. در این هنگام سعید شخصی را می‌بیند که شلوار لی و پیراهن سفید به تن کرده و سوخته است و در آن حوالی پدرش را می‌بیند؛ اما این بار چهره‌اش را به صورت واضح می‌بیند. خدمتکار هتل سعید در نروژ به امداد رسان خبر بیهوشی سعید در هتل را می‌دهد؛ اما قبل از رسیدن آنها، سعید از دنیا می‌رود و یادداشتی به‌جا گذاشته و از رئیس روزنامه (هلنا) خواسته، تمام تخیلات بازگشتش به عراق و محروم ماندن از دیدن وطنش را در روزنامه چاپ کند و جسدش را در باغ گیلاس آقای یاکوب دفن کند.

#### ۴. مفهوم‌شناسی

#### ۴-۱. نشانه و نشانه‌شناسی

نشانه ابزاری است که فرد یا گروهی به واسطه آن، معنا یا پیام ویژه‌ای را به دیگران می‌رسانند. نشانه‌ها حاصل ارتباط بین دال و مدلول است. «نشانه، واحد معناداری است که به‌عنوان چیزی که در برابر چیز دیگر (غیرخودش) قرار دارد؛ تفسیر می‌شود» (قائم‌نیا، ۱۳۸۹: ۵۹) نشانه‌ها می‌توانند صورت‌های گوناگونی از قبیل کلمات، تصاویر و حتی رفتارها را داشته باشند. نشانه‌ها معنای ذاتی ندارند و تنها زمانی نشانه می‌شوند که کاربران، آن‌ها را در برابر معنایی به کار می‌گیرند. علم نشانه‌شناسی، نشانه‌هایی را بررسی می‌کند که هدف از آن‌ها، انتقال پیامی به دیگری است. (گیرو، ۱۳۸۳: ۳۹) علم نشانه‌شناسی با بررسی نشانه‌ها کمک می‌کند تا افراد دنیای اطراف خود را به‌واسطه نشانه‌ها درک کنند و نظام‌های نشانه‌ای رمزگذاری و رمزگشایی شوند و افراد را قادر می‌سازد تا از رهگذر این نشانه‌ها بتوانند با جهان اطراف خود ارتباط برقرار کنند. «نشانه‌شناسی به مطالعه روابط دال‌ها و مدلول‌ها می‌پردازد و دایره و گستره شناخت آن همگی نظام‌های ارتباطی نظیر زبان‌ها، رمزینه‌ها و نظام‌های علامتی و ... را در برمی‌گیرد». (نبی‌لو، ۱۳۹۰: ۸۲).

استفاده از نشانه‌ها و رموزها، به‌عنوان ابزاری نیرومند و مؤثر در تمامی ابعاد زندگی در حال افزایش روزافزون است؛ به‌طوری‌که کارکرد اصلی نشانه‌ها، انتقال معنا از طریق نظام پیام‌ها در نظر گرفته شده است. از سوی دیگر، یکی از پرکاربردترین و مؤثرترین روش‌ها در تحلیل انواع متون، تحلیل نشانه‌شناسی آنهاست. ارتباط غیرکلامی یکی از شاخه‌های نشانه‌شناسی است. (پهلوان نژاد، ۱۳۸۶: ۱۴).

نشانه‌شناسی ساختارگرا در پی کشف نشانه‌های درون متن است و ساختارگرایان، معنا را در روابط میان اجزای متن می‌جویند، آنها با خوانش خلاق در پی یافتن نشانه‌ها هستند، تا به مفهوم متن دست یابند. (خواجوی، ۱۳۹۳: ۲۱۵).

نشانه‌شناسی به مطالعه روابط بین دال و مدلول و کشف روابط بین این دو می‌پردازد (همان: ۲۱۶).

#### ۴-۲. ارتباط غیرکلامی و زبان بدن

یکی از راه‌های ایجاد ارتباط در بین ما انسان‌ها ارتباط غیرکلامی است که «شامل تمام جنبه‌های ارتباط به جز کلمات هستند» (وود، ۱۳۷۹: ۲۸۴) به عبارتی در این نوع ارتباط، عنصر کلام دخالتی در انتقال پیام ندارد. عمل برقراری ارتباط دربردارنده ارتباط کلامی، غیرکلامی و پیراژبانی است که

محتوای پیام را با گزینش و آرایش کلمات انتقال می‌دهد. برای آنکه ارتباط به نحو مؤثری برقرار شود، افراد باید بتوانند از سه حیطه فوق برای انتقال صریح و روشن پیام خود به دیگران استفاده کنند، ضمن اینکه بتوانند پیام‌های ارسالی را به‌طور دقیق دریافت و درک کنند. (windle&warren,2011:2)

متخصصان علم روان‌شناسی و ارتباطات، مفهوم ارتباط را در معنایی عام چنین تعریف می‌کنند: ارتباط عبارت است از فن انتقال اطلاعات، افکار و رفتارهای انسانی از یک شخص به شخص دیگر، به‌طور کلی هر فرد برای ایجاد ارتباط با دیگران و بیان نیازهای خود از وسایل گوناگونی استفاده می‌نماید. (حکیم آرا، ۱۳۸۴: ۳۶) هر دو نوع ارتباط کلامی و غیرکلامی، به‌هم وابسته‌اند و گاهی اوقات همراه با هم رخ می‌دهند؛ برای نمونه کسی که در حال سخنرانی است با حرکات سر و دست و نگاه خود با مخاطبان ارتباط برقرار می‌کند. صحبت کردن نیز خود آمیخته به عناصر کلامی چون: تن صدا، سکوت‌های بین جمله‌ها و غیره است. (محسنیان راد، ۱۳۸۵: ۲۴۷) نقش‌هایی که پیام‌های غیرکلامی می‌توانند در ارتباط میان فردی ایفا کنند عبارتند از:

۱. تکمیل کردن: برخی پیام‌های غیرکلامی با پیام‌های کلامی همراه و هماهنگ هستند. یک پیام غیرکلامی علاوه بر کامل کردن پیام کلامی، آن را تقویت، روشن و شفاف می‌کند و معنایی «صحیح» از پیام کلامی را در اختیار مخاطب می‌گذارد.

۲. تکذیب کردن: بعضی پیام‌های غیرکلامی، پیام کلامی را نقض و تکذیب و خشی می‌کنند یا مغایر با آن‌ها هستند. وقتی پیام غیرکلامی و کلامی مغایر با هم هستند، مردم بیشتر تمایل دارند پیام غیرکلامی را باور کنند.

۳. تکرار کردن: پیام غیرکلامی که تکرارکننده پیام کلامی است، گونه‌ای از پیام است که اگر کلام هم وجود نداشته باشد، می‌تواند به‌طور مستقل عمل کند.

۴. کنترل کردن: تعامل‌های کلامی به سبب کنترل و جهتی که دارند، سازمان یافته‌اند. این کنترل و تدبیر وقتی با پیام‌های غیرکلامی همراه شوند، بهتر به نتیجه می‌رسند.

۵. جانشینی: وقتی پیام‌های غیرکلامی به جای پیام‌های کلامی فرستاده شوند، پدیده جانشینی رخ می‌دهد.

۶. تأکید: پیام‌های غیرکلامی به‌منظور تأکید، تقویت، تکیه یا برجسته کردن پیام کلامی به کار برده می‌شوند. این کارکرد همیشه به‌طور جداگانه اتفاق نمی‌افتد؛ هم‌زمان روی

دادن آنها نیز کاملاً امکان‌پذیر است. (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۸: ۹۱-۹۵)

ارتباط به هر شکلی دربرگیرنده عناصر کلامی و غیر کلامی است که به ارتباطات غیر کلامی «زبان بدن، ژست‌ها یا حرکات‌های جسمانی» هم گفته می‌شود. پیام در درجه نخست با نشانه‌های آوایی و زبان شناسیک ارائه و دانسته می‌شود. اما در درجه بعد نشانه‌های حرکتی در تدقیق معنا نقش مهمی دارند. (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۰۴) حرکت اندام‌ها شامل کلیه اشاره‌ها، حرکات سر، رفتار چشم، حرکات بدن، بازوها، پاها، دست‌ها و انگشتان می‌شود که به‌عنوان زبان بدن شناخته شده است. اشاره‌ها و حرکات سر و بدن به گفتگوی کلامی ما شفافیت بخشیده و آن را تنظیم می‌کنند و از این طریق می‌توان احساسات را انتقال داد. کسب مهارت در استفاده از زبان بدن یکی از مؤثرترین شیوه‌ها جهت بهبود روابط انسانی می‌باشد. پل اکمن و والس فریسن نیز تحقیقات گسترده‌ای را در زمینه فعالیت‌های غیر کلامی انجام داده‌اند. هدف آنان شناخت بهتر احساسات، خلق و خوی شخصیت‌ها و رفتار افراد و همچنین درک بهتر هر گونه تعامل میان اشخاص و آگاهی از ماهیت روابط و کیفیت ارتباط در جریان تعامل بوده است. (Ekman & Friesen, 1972: 353) به زبان بدن در زبان عربی «لغة الجسد» گفته می‌شود. در ذیل به چندین تعاریف از زبان بدن اشاره می‌شود:

۱. «إشارات وإيماءات جسدية ترسل رسالات محددة في مواقف وظروف مختلفة، تظهر لك المشاعر الدفينة، وتخرجها للسطح، فنصل من خلالها معلومات أو أفكار عن الشخص الآخر بحيث لا يستطيع إخفاء الأفكار التي تدور في ذهنه» (بنی یونس، ۲۰۰۷: ۳۴)
۲. «مجموعة الأفعال والحركات التي يأتيها الإنسان لينقل إلى الغير ما يريد من معان ومشاعر مثل تعبيرات الوجه، حركات العيون، حركة وضع الرأس، حركة اليدين...» (المكاوي؛ السيد، ۱۹۹۸م: ۶۷-۶۸)
۳. «جزء من الاتصال غير اللفظي تحمل معنى متفق عليه بين المرسل والمستقبل» (منير، ۲۰۰۷م: ۲۲۵)
۴. «تستطيع هذه اللغة توصيل معلومة دون علم صاحبها» (برغوث، ۲۰۰۵م: ۳۱)
۵. تحلیل نشانه‌های زبان بدن در رمان النوم فی حقل

الکروز

۱-۵. زبان چشم

چشم در چهره انسان، عنصر مهمی است که می‌تواند پیام‌های مختلفی را به صورت غیر کلامی انتقال دهد. «چشم آیینۀ تفکراتی است که در ذهن جریان دارد. بازتاب کلیۀ فرآیندهای ذهنی را می‌توان به‌طور مستقیم در چشم مشاهده نمود. تحقیقاتی که در حوزه اعصاب و روانشناسی انجام گردیده حاکی از آن است که چشم نسبت به تفکرات مختلف ذهنی از خود واکنش‌های متفاوت نشان می‌دهد» (ودایع، ۱۳۹۹: ۳۶)

تکنیک‌های چشمی می‌توانند به‌طور مؤثر در بهبود و پیشرفت مهارت‌های ارتباطی به کار روند. بزرگ و کوچک شدن مردمک چشم‌ها می‌تواند پیام‌هایی از قبیل تعجب و حیرت، خشم و... را منتقل کند.

### گشادکردن چشم

در این بخش نویسنده از چشمانی باز سخن گفته است که نشانه پیام غیرزبانی «تعجب و حیرت» است. این پیام، جزء کارکردهای جانشینی محسوب می‌شود.

آن پیز در این زمینه چنین می‌گوید «وقتی فردی هیجان زده می‌شود، مردمک چشمانش ۴ برابر اندازه طبیعی فراخ می‌شود بالعکس، حالت‌های عصبانیت و منفی مردمک‌های آنان را منقبض می‌کند، طوری که به‌طور معمول به‌عنوان «چشمان مهره مانند کوچک» یا «چشمان جفت کور» معروف می‌شوند» (پیز، ۱۳۸۹: ۱۱۳)

سعید با قرار گرفتن در موقعیتی خاص و با شنیدن سخن «تونا» مبنی بر جدایی از او، شگفت‌زده می‌شود. به‌جای بیان با گفتار «با گشاد کردن چشم» در هیئت زبان بدن چشم، که کارکرد جانشینی دارد، مفهوم تعجب را ابراز می‌کند. هیچ عبارتی به اندازه باز شدن چشم قادر به نشان دادن حالت تعجب نیست.

«كَانَ جَفْنَاهَا ذَابِلَيْنِ، يَحْتَضِنَانِ دَعْمًا مِنْ شَأْنِهِ أَنْ يُغْرَقَ وَادِي هَامَسْدَالِ لَوْ أَنَّهُمْ، لَكُنَّهَا تَمَاسِكْتُ، وَشَرَعْتُ بِالْحَدِيثِ. قَالَتْ وَهِيَ تَقْبِضُ عَلَى كَفَّيْهَا، وَبَدْفَعَةً وَاحِدَةً: «أَرَيْدُكَ أَنْ تَعْرِفَ يَا سَعِيدُ بَأَنَّكَ سَقَيْتَ حَيَاتِي وَجَعَلْتَهَا مَوْقِفَةً، وَأَنَّهَا لَوْلَاكَ لَطَلَّتْ بِأَسْفَلِ مِثْلِ شَجَرَةٍ تَبِينُ مَيْتَةً، لَيْسَ فِيهَا سِوَى الْعَمَلِ وَالْقِرَاءَةِ وَالرُّوتِينَ الْيَوْمِيِّ.. لَكِنِّي، رَغْمَ ذَلِكَ، لَا أَسْتَطِيعُ أَنْ أَكْمِلَ الطَّرِيقَ..» فَتَحْتُ فِيَّ وَعَيْنِي مِثْلَ صَبِيٍّ تَلَقَّى خَيْرًا بِمَوْتِ أَبَوَيْهِ فِي حَادِثِ سَيْرٍ» (جرجیس، ۲۰۱۹: ۱۱۷)

ترجمه: «چشمانش پُرمرده بود در حالیکه چشمانش اشکی را در آغوش گرفته بودند اشکی را که اگر سرازیر می‌شد به‌خاطر آن دره «هامسدال» غرق می‌شد؛ اما او آن (اشک) را نگه داشت و شروع کرد به سخن گفتن. درحالی که دو دستش را محکم کرده بود (مشت کرده بود) به یکباره گفت: سعید از

تو می‌خواهم که بدانی همانا تو زندگی‌م را سیراب کردی و آن را پُر بار قرار دادی اگر تو نبودى زندگی‌م همیشه خشک مثل درخت انجیر مُرده بود، زندگی‌م جز کار و خواندن و تکرار هر روز نیست. اما من، با وجود آن، نمی‌توانم راه را کامل کنم. دهان و چشمم را باز کردم مثل بچه‌ای که خبر مرگ پدر و مادرش در تصادف رانندگی به او داده شود»

### درخشش چشم

درخشش چشم نوعی خوشحالی و علاقه‌مندی را نشان می‌دهد تا به مقصودشان که ایجاد ارتباطی عاطفی و پیوندی عمیق است، برسند. زمانی که سعید با «تونا» قرار ملاقات می‌گذارد به هنگام رسیدن تونا صندلی را برای او کنار می‌کشد و با احترام جلوی او می‌ایستد، تونا از حرکت سعید خوشحال می‌شود و این خوشحالی موجب درخشش چشمان او می‌گردد. این حالت چشم با کارکردی جانشینی نشانگر شادی و خوشحالی است.

«ذات یومٍ أُخبرْتُ تونا بآتي سأكون بانتظارها عندَ الثامنة مساءً في المقهى. وصلتُ قبلَ الموعدِ بساعتين. كنتُ مضطرباً، أكثر من النظرِ إلى الساعة، وأراقبُ الباب. دَقَّتْ الثامنة، فوصلتُ تونا. أرحبُ لها الكرسي، ووقفْتُ أمامها بإجلالٍ كما يفعلُ المُدُلُّ المَهْدَبون في مطاعمٍ خمسٍ نجومٍ. ضحكْتُ والتمعتُ عيناها الجميلتان، ثم تساءلتُ عما وراءَ تلكَ الحركةِ اللامعتة!» (جرجيس، ۲۰۱۹: ۱۱۵) ترجمه: «یک روز به تونا گفتم که ساعت هشت غروب در قهوه‌خانه منتظرش هستم. دو ساعت قبل از قرار رسیدم. به هم ریخته بودم، زیاد به ساعت نگاه می‌کردم، به در چشم دوخته بودم. ساعت هشت شد و تونا رسید. صندلی را برایش عقب زدم و تمام‌قد پیش پایش ایستادم، شبیه کاری که پیشخدمت‌های مؤدب در رستوران‌های پنج ستاره انجام می‌دهند. خندید، چشمان زیبایش برق زدند و بعد پرسید پشت این کارهای غیرعادی چه چیزی نهفته است!»

### ۲-۵. زبان دست

همه انسان‌ها به‌گونه‌ای از دست‌های خود برای انتقال مفاهیم استفاده می‌کنند و گاهی نیز حرکات و اشارات دست‌ها جایگزین کلام می‌شود. «دست‌ها در تکامل انسانی مهم‌ترین ابزار بوده‌اند و نسبت به سایر اعضای بدن ارتباط بیشتری با مغز دارند» (بیس، ۱۳۸۷: ۴۲). دست‌ها در زبان اشاره به‌عنوان ابزاری کارآمد، جایگاه ویژه‌ای دارند. ناشنوایان از دست‌های خود برای انتقال پیام به مخاطب بهره می‌گیرند. «آنچه در ذهنتان بدان می‌اندیشید، به کمک حرکات سر و دست خود منعکس می‌سازید، در حقیقت ردّ خفیفی از معنای

تلویحی آنچه کلماتتان گویای آن نیست، تجربه می‌کنید. حرکات دست شما می‌تواند منعکس‌کننده واقعیت باشد و شاید هم بتوانید آنچه را دیده و یا شنیده‌اید، در هوا ترسیم کنید، تا آن را به دیگران انتقال دهید» (کوئیلیام، ۱۳۹۸: ۲۲-۲۳). در ذیل به نمونه‌هایی از ارتباط غیرکلامی توسط زبان دست در رمان *النوم فی حقل الکرز* اشاره می‌کنیم:

### ضربه زدن به پیشانی دال بر فراموشی

آن پیز می‌گوید: او به‌طور غیرکلامی فراموشی خود را با ضربه زدن به سر یا پیشانی یا پشت گردن نشان می‌دهد. گویی به شکلی نمادین خود را می‌زند. اگرچه ضربه زدن به سر به فراموشی مرتبط است؛ اما با وضعیتی که با دست به سر یا پیشانی یا گردن خود می‌زند، نشان می‌دهد که درباره‌ی شما و موقعیت پیش آمده چه احساسی دارد. اگر به پیشانی بزند نشان می‌دهد که با تذکر شما مبنی بر فراموشی‌اش هراسان نشده است. (پیز، ۱۳۸۹: ۸۱)

«مددتُ يدي في جيبِ المعطفِ لإخراجِ نَمَمِ التذكرة. لكني لم أجدُ المحفظة. تذكرتُ بآتي نسيئها تذكرةً على الكومدينو في غرفةِ النوم، فلطمتُ جبهتي عندئذٍ وهفتُ متذمراً: «خرا بالكائنات» ضحكُ السائقِ لسماعه ذلك وقال لاعليكَ اركبُ» (جرجيس، ۲۰۱۹: ۲۶) ترجمه: «دستم را برای بیرون آوردن هزینۀ بلیط درون جیب پالتو بردم اما کیفم را پیدا نکردم. بیاد آوردم که بلیط را بر روی کمد اتاق خواب فراموش کردم. در آن لحظه به پیشانی‌م زدم و از روی عصبانیت فریاد زدم «لعنت به موجودات» راننده از شنیدن آن خندید و گفت مشکلی نیست سوار شو»

نویسنده علاوه بر ارتباط کلامی با مخاطب از طریق زبان دست یعنی ضربه زدن به پیشانی که یک نشانه غیرکلامی است پیام فراموشی سعید را مؤکداً ابراز می‌دارد. به عبارتی ضربه زدن به پیشانی با کارکردی تکمیلی نشانه فراموشی سعید از به همراه آوردن بلیطش است.

### ناخن جویدن نشانه ترس و اضطراب

«كان جوفُ الشاحنةِ مظلماً، وصوتُ الأنفاسِ عالياً، تعثرتُ بساقِ أحدهم، فاعتذرتُ له بالعربيةِ سهواً، لكنه أجابَ بصوتٍ منخفضٍ وباللغةِ ذاتها: لا، تعالِ اجلسْ» ممسكاً بطرفِ سرتي. كان شاباً صغيراً من فلسطين، لا يتعدى عمره السادسة عشرةً على أغلبِ الظنِّ، قلقاً يقرضُ بأظافره و يتحدثُ من بين أسنانه المطبقة. قال، بعدما جلسْتُ إلى جواره بأنَّ الشرطةَ كانت قد أمسكتُ به مرتينِ قبلَ ذلك وأودعته السجن، وأنه لا يدري إن كان الطريقُ آمناً أم لا..»

**(جرجیس، ۲۰۱۹: ۶۷)** ترجمه: «وسط کامیون تاریک بود و صدای نفس‌ها بلند بود، به پای یکی از آنها برخورد کردم، غیر عمد به زبان عربی از او معذرت خواستم. اما او با همان زبان با صدای آرام جواب داد: مهم نیست بیا بنشین درحالی که گوشه ژاکت را گرفته بود. جوانی کوچک اهل فلسطین بود که عمرش در خوشبینانه‌ترین حالت از ۱۶ سال تجاوز نمی‌کرد. از روی ترس ناخن‌هایش را می‌جوید و از پس دندان‌های بهم چسبیده‌اش سخن می‌گوید بعد از اینکه کنارش نشستیم می‌گفت که پلیس قبل از این دو بار دیگر او را دستگیر کرده و به زندان انداخته است (تحویل داده است) و اینکه او نمی‌داند که راه امن است یا نه»

ناخن جویدن نشانه ترس و اضطراب از یک موقعیت خاص است. جوان فلسطینی که از طریق کامیون‌های قاچاق انسان می‌خواست به کشورهای عربی پناهنده شود از ترس گیر افتادن به دام پلیس، ناخن‌های دستش را می‌جوید این حرکت غیرکلامی دال بر ترس اوست با توجه به همراهی پیام کلامی همراه آن، کارکردی تکمیلی دارد.

«درحالی که سیگاری‌ها اضطراب خود را با کشیدن سیگار آشکار می‌کنند، افراد غیرسیگاری رفتارهایی مانند آراستن خود، خوردن ناخن، ضرب گرفتن انگشتان و دیگر اشاره‌ها از خود نشان می‌دهند.» (پیز، ۱۳۸۹: ۱۲۶)

### تماس انگشت با لب بیانگر دعوت به سکوت

«كُنَّا نَنْفِذُ الْأَمْرَ بِطَرِيقَةٍ مِثْلَ تَلْكَ الَّتِي يُمَارِسُهَا قَطِيعُ الْخِرَافِ مَعَ الرَّعَاةِ. وَضَعُ إِصْبَعِهِ عَلَى فَمِهِ وَقَالَ: «أَشْشَشْشْ»، فَقَدْ سَمِعْتُ صَوْتُ كَلَابٍ تَقْتَرِبُ. كَانَتْ دَوْرِيَّةً شَرْطَةً تَفْتَشُ فِي الْمَكَانِ» **(جرجیس، ۲۰۱۹: ۶۹)** ترجمه: «ما دستورات را در راه مثل آن کاری که گله‌گوسفند همراه چوپان انجام می‌دهد، انجام دادیم. انگشتش را بر دهانش گذاشت و گفت هیسسس. صدای سگی در آن نزدیکی شنیده می‌شد. ماشین گشت بود که آنجا را بررسی می‌کرد.

هنگامی که سعید تصمیم می‌گیرد به صورت غیرقانونی از مرز کشورها به نروژ مهاجرت کند توسط شخصی به اسم «هاری» از مرزها عبور می‌کند. روزی که در حال عبور از مرزها هستند، رهبر آن‌ها «هاری» برای این که مهاجران به دست پلیس نیفتند از آن‌ها می‌خواهد که ساکت باشند و سر و صدا نکنند. در واقع با زبان بدن دست (انگشت نهادن بر لب) که بیانگر سکوت کردن است پیامی غیرکلامی به مهاجران ارسال می‌کند. و از آنجا که این حرکت دست با کلام هیسسس همراه شده است کارکردی تأکیدی تکمیلی دارد. هر گاه انگشت اشاره

به‌طور عمودی برای لحظه‌ای به طرف بالا بیاید یعنی ساکت باش» **(کریمی، ۱۳۹۶: ۲۶)** (ودایع، ۱۳۹۹: ۱۵۰) (پهلوان‌نژاد، ۱۳۸۶: ۲۸)

### ۳-۵. زبان سر

حرکت سر در انتقال پیام و ایجاد ارتباط، بسیار نقش دارد؛ زیرا سر عضو اصلی و فرمانده بدن به‌شمار می‌آید. اشاره‌ها و حرکات سر و بدن به گفتگوی کلامی ما شفافیت می‌بخشد و آن را تنظیم می‌کند و از این طریق می‌توان احساسات را انتقال داد. «داروین از اولین کسانی بود که متوجه شد انسان‌ها و نیز حیوانات چنانچه درمورد خاصی علاقه‌مند یا متنفر باشند از حرکت دادن سر خود در جهات مختلف استفاده می‌کنند. (پیز، ۱۳۸۹: ۱۰۶) ازهر جرجیس در رمان *النوم فی حقل الکرز* از حرکت‌های سر به‌عنوان یک نوع ارتباط غیرکلامی به وفور بهره برده است از جمله:

### نشانه شادمانی و یا خشم

«اکمن (Ekman) در تحقیقات خود دریافته است که علائم مبادله شده توسط سر و گردن بیانگر این نکته هستند که چه احساساتی برای فرد مطرح بوده‌اند؛ مثل خشم یا شادمانی» (فرهنگی، ۱۳۸۹: ۳۰۱)

«يقولون بأنَّ الرئیسَ قد زارَ في أحدِ الأيامِ مزرعةً للدجاجِ، وهذَّ بأنَّه سيقومُ بالتفتيشِ عن البيضِ، ومن لا يجد تحتها خمسَ بيضاتٍ، يقطع رأسها ويرميها إلى الكلابِ. فارتعب الدجاجُ، وياضتْ كلُّ واحد خمسَ بيضاتٍ بالتمامِ و الكمالِ. شرع بعد ذلك بالتفتيشِ، فكأنَّ كَمَا يرفعُ دجاجةً يجدُ تحتها خمسَ بيضاتٍ، فيهزُّ رأسه ويقولُ كلمةً الشهيرةَ: «عافية» لكنَّه في النهايةِ رفعَ واحدةً منهن، فوجدها قد ياضتْ بيضةً واحدةً فقط. قطَّبَ عند ذاك حاجبيه الكئيبينِ وصرخَ: ألم أقل خمسَ بيضاتٍ؟ فردَّتْ المسكينةُ بصوتٍ مرتجفٍ: لكنِّي ديكٌ يا سيدي الرئیسُ» **(جرجیس، ۲۰۱۹: ۳۹)** ترجمه: «می‌گویند در یکی از روزها، رئیس به دیدار مرغداری می‌رود. و تهدید می‌کند که تخم‌مرغ‌ها را بازرسی خواهد کرد. هر مرغی که زیر آن ۵ تخم‌مرغ نباشد سرش را می‌کند و جلوی سگ‌ها می‌اندازد. مرغ‌ها می‌ترسند و هر روز بطور کامل ۵ تخم می‌گذارند. بعد از آن بازرسی، شروع می‌شود. هر زمان که مرغی را بلند می‌کرد، زیر آن ۵ تخم‌مرغ می‌دید. سرش را تکان می‌داد و کلمه مشهورش را به زبان می‌آورد: «عافیت باشد». اما در نهایت یکی از مرغ‌ها را بلند کرد و دید فقط یک تخم گذاشته است، در آن لحظه ابروهای پرپشتش را درهم کشید. فریاد زد: مگر نگفته بودم ۵ تخم؟ بیچاره با صدایی لرزان جواب داد: سرورم ولی من خروسم»



جرجیس نویسنده عراقی در رمانش به حاکمی ظالم اشاره می‌کند که تمام مرغ‌ها را مجبور به گذاشتن پنج تخم در هر روز، می‌کند و هرگاه زیر هر مرغی، پنج تخم مرغ را پیدا می‌کرد سرش را تکان می‌داد و می‌گفت: عافیت. این حرکت سر، به سبب همراهی با کلام «عافیت» با کارکردی تأکیدی تکمیلی، رضایتمندی و خشنودی حاکم را تداعی می‌کند.

### بیانگر تأیید کلام و «بله» گفتن

«طلبت من السائق أن يوصلني إلى دكان حمزة العطار خلف حيّ السريان إن كان يعرفه هزّ الرجل برأسه خافضاً صوت المذيع وقال اركب» (جرجیس، ۲۰۱۹: ۱۶۱) ترجمه: «از راننده خواستم که مرا به دکان حمزه عطار پشت محله سریان برساند- اگر او را می‌شناسد- مرد سرش را تکان داد درحالی که صدای رادیو را کم کرد و گفت سوار شو» راننده در جواب سؤال مسافر با حرکت سر، کلام او را تأیید می‌کند و کارکرد این حرکت، جانشینی است. پیز می‌گوید: «تکان دادن سر تقریباً در تمام دنیا برای نشان دادن «بله» یا تأیید به کار می‌رود که شکلی از پایین آوردن سر است» (پیز، ۱۳۸۹: ۲۰)

### ۴-۵. زبان حرکت اندام

این نوع حرکت‌ها شامل رفتارهایی هستند که از حرکت چند عضو بدن ترکیب می‌شوند. در چنین رفتارهایی امکان جدا کردن رفتار و اختصاص آن به یک عضو مشکل است و غالباً به صورت پیوسته به‌عنوان یک رفتار در نظر گرفته می‌شود. افراد از طریق حرکات بدنی خود می‌توانند احساساتشان را انتقال دهند، کلمات ادا شده را تقویت و بر روی آن تأکید ورزند و حتی گاهی اوقات آن‌چه را می‌گویند، نقض می‌کنند. (ریچموند، ۱۳۸۸: ۱۵۹) گلدین مدوف (۱۹۹۹) معتقد است که حرکات بدنی می‌توانند معرف افکار و احساسات باشند. او همچنین معتقد است که این حرکات برای فهم گفتمان شفاهی بسیار با اهمیت است. (رشیدی، ۱۳۹۹: ۷۵۶)

### پنهان شدن پشت مانع دال بر ترس

«پنهان شدن در پشت یک مانع، واکنش طبیعی بشر است که در زمان‌های ابتدایی زندگی برای حفاظت از خود می‌آموزد. کودک هر گاه خود را در موقعیتی ترسناک می‌بیند، در پشت اشیایی از قبیل میز، صندلی، مبل و دامن مادر پنهان می‌شود» (پیز، ۱۳۸۹: ۸۳)

«تذکرت صوت أول طائرة حربية سمعته في حياتي. كنت حينها في التاسعة من عمري، أداعب الكرة في الزقافي مع رفاقي، فدوى

في الأرجاء صريخ صفارات أنداز جعلنا نهرغ خائفين نحو بيوتنا. دخلت البيت مسرعاً واختبأت تحت عباءة أمي بانتظار وقوع الكارثة» (جرجیس، ۲۰۱۹: ۲۸) ترجمه: «یاد صدای اولین هواپیمای جنگی‌ای افتادم که در عرم شنیدم. آن زمان نه سال داشتم که با دوستانم در کوچه توپ بازی می‌کردم و در همه جا صدای آژیر منعکس می‌شد وحشت‌زده به سمت خانه‌هایمان دویدیم و بسرعت وارد خانه شدم و به انتظار فاجعه زیر چادر مادرم پنهان شدم»

سعید زمان کودکیش هم‌زمان با حمله آمریکا به عراق در دوره صدام بوده است. روزی سعید با دوستانش در کوچه‌های عراق بازی می‌کند؛ اما با دیدن هواپیماهای جنگی به شدت می‌ترسد و پا به فرار می‌گذارد و زیر چادر مادرش پنهان می‌شود. «پنهان شدن زیر چادر مادر» یک نوع رفتار غیر کلامی محسوب می‌شود که بیانگر ترس و اضطراب سعید از جنگ و ویرانی است و کارکرد این حرکت، تأکیدی است.

### پایین آوردن ارتفاع بدن دال بر احترام به طرف مقابل

آن پیز در این زمینه اشاره می‌کند که: «در طول تاریخ، پایین آوردن ارتفاع بدن در مقابل فرد دیگر به‌منظور ایجاد روابط مافوق و زیر دست به کار رفته است» (پیز، ۱۳۸۹: ۱۷۹)

«دقت - الثامنة، فوصلت تونا. أزحنت لها الكرسي، ووقفتم أمامها بإجلال كما يفعل النذل المهذبون في مطاعم خمس نجوم. ضحكتُ والتمعتُ عيناها الجميلتان، ثم تساءلتُ عما وراء تلك الحركة اللامعتادة! قائلاً: «هل أنت مستعدة؟» فابتسمتُ ودفعتُ شفيتها الجميلتين إلى الأمام، مع نصف إغماضة في إشارة لعدم الفهم. أتييتُ عندئذٍ على ركبتي وأخرجتُ من جيب سترتي خاتماً وقدمتهُ إليها قائلاً: «تونا، هل تقبلين الزواج مني؟» (جرجیس، ۲۰۱۹: ۱۱۵) ترجمه: «ساعت هشت شد و تونا رسید. صندلی را برایش عقب زدم و تمام‌قد پیش پایش ایستادم، شبیه کاری که پیشخدمت‌های مؤدب در رستوران‌های پنج ستاره انجام می‌دهند. خندید و چشمان زیبایش برق زدند و بعد پرسید پشت این کارهای غیرعادی چه چیزی نهفته است! و گفتم: آماده‌ای؟ لبخندی زد و لب‌های زیبایش را جلو داد و چشمانش را نیمه بسته کرد به نشانه اینکه متوجه چیزی نشده است. از جیب کتَم انگشتری را بیرون آوردم و به او تقدیم کردم و گفتم: «تونا آیا قبول می‌کنی که با من ازدواج کنی؟» سعید هنگام خواستگاری از تونا به خاطر احترام به او بر روی دوپای خود خم می‌شود به عبارتی خود را در برابر او

کوچک نشان می‌دهد و این حرکت از بدن یک نشانه غیر کلامی است که دال بر احترام گذاشتن به طرف مقابل است.

### محکم بستن در نشانه تخلیه خشم و غضب

«علائم غیر کلامی، نه تنها احساسات فرد را به تصویر می‌کشند؛ بلکه اغلب نشان می‌دهند او چگونه با احساسات کنار می‌آید، مثلاً ممکن است خشم خود را با تنش عضلانی سرکوب کند و یا احساساتش را از طریق به زمین کوبیدن پا، تکان دادن دست‌ها، محکم بستن در اتاق یا مواردی از این قبیل تخلیه کند» (کریمی، ۱۳۹۶: ۱۳)

«غادرتُ المکتبِ دونَ أن ألقى التحيةَ عليها. أغلقتُ البابَ خلفي بقوةٍ شعرتُ معها بأنَّ جنابَ المديرِ قد قفزتُ من مكانها وانضرب رأسها بالسقف» (جرجیس، ۲۰۱۹: ۱۳۰) ترجمه: «بدون آنکه خداحافظی کنم، کتابخانه را ترک کردم. به شدت در راه، پشت سرم بستم. احساس کردم همراه آن (بستن در) خانم مدیر از جایش پرید و سرش به سقف خورد»

بالآخره سعید تصمیم می‌گیرد که به وطنش برگردد و در جستجوی استخوان‌های پدرش تلاش کند به همین دلیل به اداره پست در نورژ می‌رود تا استعفای خود را تحویل اداره بدهد. استعفانامه را جلوی دست مدیر قرار می‌دهد و خانم مدیر که دل خوشی از سعید که یک بیگانه بود نداشت با زهر خندی استعفای او را امضا کرد و این حرکت مدیر باعث خشم و عصبانیت سعید می‌شود. در واقع سعید خشم و غضب خود را از لبخند مدیرش با محکم بستن در اتاق، تخلیه می‌کند.

### ۵-۵. لمس و تماس بدنی (بساوایی)

تماس بدنی بنیادی‌ترین شکل ارتباطات است و مؤثرترین ابزار برای انتقال بسیاری از احساسات و عواطف به‌شمار می‌رود. تماس بدنی نشانه علاقه و پذیرش است. به عبارت دیگر، خودداری از لمس کردن، مجموعه‌ای از احساسات مثل رنجش، خصومت، عصبانیت و بدگمانی را انتقال می‌دهد. (ریچموند، ۱۳۸۸: ۲۹۸)

فرگاس چنین می‌گوید: در فرهنگ ما آرام لمس کردن معمولاً علامت صمیمیت و علاقه است و در فرد مورد لمس یک واکنش تحریکی جزئی ایجاد می‌کند. (فرگاس، ۱۳۷۳: ۳۰۶) تماس زیاد از حد، نشان‌دهنده محبت، عشق و دلبستگی عاطفی و روانی است. (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۸: ۳۰۴)

«عصرتُ يديها وطبعْتُ على رأسها قبلةً، فألصقتُ فمها في غنقي وشمتني شمةً طويلةً، ثم انفجرتُ بالبكاء مثل سحابةٍ مطرةٍ. احتضنتُها، مسحتُ على كتفيها» (جرجیس، ۲۰۱۹: ۴۴) ترجمه: «دستش را فشردم و سرش را بوسیدم دهانش را به

گردنم چسباند و مرا به مدت طولانی بوسید. با گریه مثل ابر پر باران منفجر شد. او را در آغوش گرفتم و شانه‌هایش را لمس کردم»

مادر سعید به هنگام ترک وطن پسرش به شدت غمگین می‌شود و مثل ابر باران‌زا اشک می‌ریزد سعید برای آرام کردن او بر سر و صورت مادرش بوسه می‌زند و شانه‌هایش را لمس می‌کند و او را به آغوش می‌کشد. سر و چشم بوسیدن و به آغوش کشیدن رفتارهایی هستند که با کارکردی جانشینی، در بردارنده پیام غیر کلامی علاقه و محبت هستند.

### ۶-۵. ظاهر فیزیکی

پیام‌های غیر زبانی مربوط به ظاهر فیزیکی مانند دیگر پیام‌های غیر کلامی که از دیگران دریافت می‌کنیم، مهم هستند. موی صورت (ریش و سیبیل) یکی از نشانه‌های ظاهر فیزیکی است که می‌تواند حاوی پیام‌های خاصی به مخاطب باشد. «مردی که صورتش موی زیاد دارد احتمالاً فردی بالغ، خوش قیافه، بانفوذ، شجاع، کوشا، متکی به خود و آزاداندیش ارزیابی خواهد شد.» (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۸: ۱۳۳)

«لم تخبرني أمي بأنَّ أبي كان مِمَّن يطيونَ لحاهم» (جرجیس، ۲۰۱۹: ۱۲۵) ترجمه: «مادرم به من نگفته بود که پدرم از کسانی بوده که ریشش بلند بوده است»

«دفعْتُ الغطاءَ عن جسدي وذهبتُ إلى الحمامِ. كان المطرُ في الخارجِ يهطل بغزارةٍ، رغم أننا في الصيفِ. أخرجتُ مائدةً الحلاقة من الدرجِ وبدأتُ بجزِّ لحيتي. كانت طويلةً ومبعثرةً وقبيحةً» (جرجیس، ۲۰۱۹: ۲۳) ترجمه: «لباسم را درآوردم و به حمام رفتم. باران در بیرون به شدت می‌بارید با وجود آنکه فصل تابستان بود. ماشین ریش تراش را از کشو بیرون آوردم و شروع کردم به تراشیدن ریشم. ریشم بلند و مشوش و زشت بود»

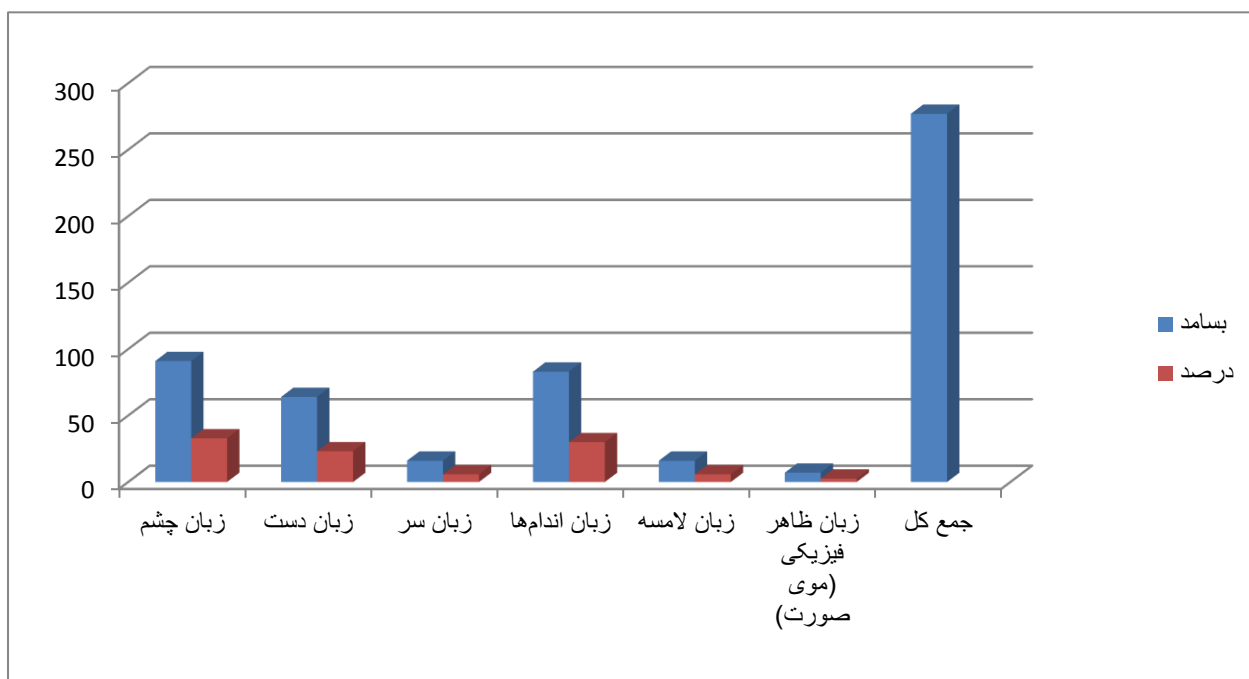
تراشیدن ریش توسط سعید نشانه‌ای از تقابل و مبارزه میان سنت و مدرنیته است سعید که از کشور مذهبی عراق به کشور اروپایی سفر کرده با تراشیدن ریشش پیامی به مخاطب می‌رساند اینکه او آزاداندیش است و از سنتی که پدرش پایبند آن است سر بازمی‌زند و از سنت قدیم دوری می‌کند و کارکرد این نوع پیام از نوع جایگزینی است از آن روی که بیانگر شخصیت غیر سنتی و امروزی سعید است که برخلاف سنت پدرش عمل کرده است.

اما نویسنده روایت، پدر سعید را با ریش بلند به مخاطب معرفی کرده زیرا هدف او از این نوع نشانه غیر کلامی معرفی این شخصیت به‌عنوان فردی سیاسی، مبارز، معتقد، شجاع و کوشا بوده است.

۱. جدول بسامد و درصد زبان (چشم، دست، سر، اندام، لامسه و موی صورت) در رمان «النوم فی حقل الکرز»

مؤلفه	بسامد	درصد
زبان چشم	۹۱	۳۲٫۸۵
زبان دست	۶۴	۲۳٫۱۰
زبان سر	۱۶	۵٫۷۷
زبان اندامها	۸۳	۲۹٫۹۶
زبان لامسه	۱۶	۵٫۷۷
زبان ظاهر فیزیکی (موی صورت)	۷	۲٫۵۲
جمع کل	۲۷۷	

۲. نمودار بسامد و درصد زبان (چشم، دست، سر، اندام، لامسه و موی صورت) در رمان «النوم فی حقل الکرز»



۶. نتیجه گیری

با توجه به اینکه توسعه و گسترش سیستم‌های مختلف ارتباطات سبب تعامل گسترده بین مردم کشورهای مختلف شده است و امروزه دنیا به‌عنوان یک دهکده جهانی مطرح می‌شود، آشنایی و شناخت فرهنگ‌های جوامع دیگر، از جمله

آشنایی با معانی و مفاهیم زبان خاموش آنان امری اجتناب‌ناپذیر است.

آزهر جرجیس در رمان *النوم فی حقل الکرز* که نامزد جایزه بوکر عربی در سال ۲۰۲۰ م. بوده است، برای محسوس‌تر کردن حوادث و مصیبت‌های مردم عراق و بیان درد و رنج آنها، در کنار ارتباطات کلامی از ارتباطات غیر کلامی به‌وفور

بهره برده است و به انواع آنها به خوبی توجه نشان داده است. تحلیل ارتباط غیرکلامی در رمان ذکر شده علاوه بر تأثیرگذاری بر مخاطب به نویسنده این امکان را داده تا پیام‌های خود را به صورت موجز ولی مؤثر انتقال دهد. جرجیس در این رمان از نشانه‌های غیرکلامی چشم (۳۲/۸۵ درصد) از جمله: «گشاد کردن مردمک چشم، درخشش چشم» برای مفاهیمی چون «تعجب و حیرت، خوشحالی» استفاده کرده است. از نشانه‌های غیر زبانی دست (۲۳/۱۰ درصد) در حالت‌های «ضربه زدن به پیشانی، ناخن جویدن، تماس انگشت با لب» برای القای مدلول‌هایی چون «فراموشی، ترس و اضطراب، دعوت به سکوت» بهره برده است.

نشانه‌های غیر کلامی سر (۵/۷۷ درصد) در رمان *النوم فی حقل الکرز* بیانگر مفاهیم و معانی چون «شادی و رضایتمندی، خشم و عصبانیت و تأیید کلام طرف مقابل» هستند. جرجیس از ارتباطات غیرکلامی از طریق حرکت اندام‌ها (۲۹/۹۶ درصد) از جمله: «پنهان شدن پشت مانع که دال بر ترس و وحشت، خم شدن سمت شخصی که دال بر احترام و تکریم، محکم بستن در دال بر تخلیه خشم و غضب» به وفور بهره برده است. زبان لامسه (۵/۷۷ درصد) در رمان ذکر شده بیانگر علاقه و صمیمیت بین دو طرف رابطه است. زبان ظاهر فیزیکی (۲/۵۲ درصد) برای تقابل دو سنت مذهبی و مدرنیته در رمان *النوم فی حقل الکرز* به کار گرفته شده است. با بررسی انواع ارتباطات غیرکلامی در رمان ذکر شده دریافتیم که حالات زبان چشم بیشترین و ظاهر فیزیکی کمترین بازتاب را داشته‌اند و کارکرد جانشینی از میان شش کارکرد زبان بدن، بیشترین بسامد را داشته است و در انتقال رمزهای نهفته در کلام نویسنده، بیشترین نقش را دارند.

نویسنده دغدغه‌های اجتماعی و یا سیاسی خود را با به-کارگیری مشخصه‌های غیر کلامی تا حدودی بازگو می‌کند و جریانات سیاسی و اجتماعی عراق را در دوره اشغال توسط نیروهای هم ائتلاف آمریکا و درد و رنج مردم آن که مضمون اصلی رمان است را به تصویر می‌کشد. کارکرد ارتباطات غیر کلامی در رمان بیشتر در دایره مفاهیم منفی همچون: خشم، انزجار، ترس، اضطراب، اندوه و غم، سوگواری و... قرار دارد علت اصلی این امر شرایط اجتماعی و روحیات شخصیت‌های موجود در آن است و شخصیت‌های این رمان بیشتر اندوهگین و غمگین هستند. مردم بیشتر از زبان کلامی، همواره احساسات واقعی خود را با زبان خاموش (نشانه‌های غیر کلامی) بیان می‌کنند.

## منابع و مأخذ

### فارسی

پیژ، آلن (۱۳۸۹). *زبان بدن* (چگونه می‌توانیم از طریق اشاره‌های بدن افکار دیگران را خواند؟). ترجمه زهرا حسینیان. چاپ یازدهم. مشهد: ترانه.

پیس، آلن و باربارا پیس (۱۳۸۷). *کتاب جامع ارتباطات غیرکلامی؛ زبان بدن*. ترجمه فریبرز باغبان. چاپ دوم. مشهد: پژوهش توس.

پهلوان نژاد، محمدرضا (۱۳۸۶). *ارتباطات غیرکلامی و نشانه‌شناسی حرکات بدنی*. مجله زبان و زبان‌شناسی. سال سوم. شماره (۲). صص ۳۰-۱۳.

حکیم آرا، محمدعلی (۱۳۸۴). *ارتباطات متقاعدگرانه و تبلیغ*. چاپ اول. تهران: سمت.

خواجوی، مهوش و طهماسبی، فرهاد (۱۳۹۳). بررسی نشانه‌شناختی شعر (مسافر) سپهری بر مبنای نشانه‌شناسی ساختارگرا؛ الگوی ریفاتر و یاکوبسن. *پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبانهای خارجی*. دوره ۴- شماره (۲). صص ۲۱۵-۲۴۲.

رشیدی، ناصر و پرویز، مریم (۱۳۹۹). مشارکت در کلاسهای زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی رابطه بین رفتارهای غیرکلامی و پاسخ‌های غیرکلامی فراگیران. *پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبانهای خارجی*. دوره ۱۰- شماره (۴). صص ۷۵۲-۷۷۵.

ریچموند، ویرجینیایی و جیمزسی، مک کروسکی (۱۳۸۸). *رفتارهای غیر کلامی در روابط میان فردی (درسنامه ارتباطات غیر کلامی)*. ترجمه فاطمه سادات موسوی و ژیلا عبدالله پور، زیر نظر غلامرضا آذری. چاپ دوم. تهران: دانژه.

فرگاس، جوزف پی (۱۳۷۳). *روان‌شناسی تعامل اجتماعی، رفتار میان فردی*. ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروز بخت. چاپ اول. تهران: ابجد.

فرهنگی، علی اکبر (۱۳۸۹). *ارتباطات انسانی*. ج ۱. چاپ اول. تهران: تایمز.

قائم‌نیا، علیرضا (۱۳۸۹). *بیولوژی نص*. چاپ اول. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

کریمی، رامین (۱۳۹۶). *زبان بدن (ارتباط غیرکلامی)*. چاپ هشتم. تهران: شلاک.

کوئیلیام، سوزان (۱۳۹۸). *اسرار زبان بدن*. ترجمه ثریا شریفی. چاپ پنجم. تهران: نسل نو اندیش.

- Pease, Alan (2009). *Body language (how can we read other people's thoughts through body language?)*. Translated by Zahra Hosseinian. 11th edition Mashhad: Song. (in persian)
- Pace, Alan and Barbara Pace (2007). *Comprehensive book of non-verbal communication; Body Language*. Translated by Fariborz Baghban. second edition. Mashhad: Tos Research. (in persian)
- Pahlavan Nejad, Mohammad Reza (2016). "Non-verbal communication and semiotics of body movements". *Journal of Language and Linguistics*. third year. Second Issue. pp. 13-30. (in persian)
- Hakim Ara, Mohammad Ali (2004). *Persuasive communication and advertising*. First Edition. Tehran: Side. (in persian)
- Khajovi, Mahosh and Tahmasabi, Farhad (2014). *Semiotic analysis of Sepehari's poem (Traveler) based on structuralist semiotics; Rifater and Jacobsen model*. *Linguistic research in foreign languages*. Course 4- Number 2. pp. 215-242. (in persian)
- Rashidi, Nasser and Parviz, Maryam (2019). *Participation in English classes as a foreign language, the relationship between non-verbal behaviors and non-verbal responses of learners*. *Linguistic research in foreign languages*, period 10- number 4. pp. 752-775. (in persian)
- Richmond, Virginia and Jamessey, McCroskey (2008). *Non-verbal behaviors in interpersonal relationships (textbook of non-verbal communication)*. Translated by Fatemeh Sadat Mousavi and Zhila Abdollahpour, under the supervision of Gholamreza Azari. second edition. Tehran: Danje. (in persian)
- Karabi, Jasant (2010). "An analysis of the contribution of non-verbal communication in social interaction". *Cultural sociology*. Year 2. Number 2. (in persian)

- گیرو، پی‌یر (۱۳۸۳). *نشانه‌شناسی*. ترجمه محمد نبوی. چاپ دوم. تهران: آگه.
- محسنیان راد، مهدی (۱۳۸۵). *ارتباط‌شناسی*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سروش.
- نبی‌لو، علیرضا. (۱۳۹۰). کاربرد نظریه نشانه‌شناسی مایکل ریفاتر در تحلیل شعر ققنوس نیما. *پژوهش‌های زبانشناختی در زبانهای خارجی*. دوره ۱- شماره (۲). صص ۸۱-۹۴.
- ودایع، پویا (۱۳۹۹). *مهندسی زبان بدن*، چاپ پنجم، تهران: نسل نو اندیش.
- وود، جولیاتی (۱۳۷۹). *ارتباطات میان فردی*، ترجمه مهرداد فیروز بخت، چاپ دوم، تهران: مهتاب.

### عربی

- برغوث، علی (۲۰۰۵م)، *الاتصال الإقناعی*، مذكرة تعليمية لطلبة مستوى ثالث، غزة: جامعة الأقصى.
- بنی یونس، محمد محمود (۲۰۰۷م)، *سیکولوجیا الواقعیة والاتصالات*، ط ۱، عمان: دارالمسيرة.
- جرجیس، أزهر (۲۰۱۹). *النوم في حقل الكرز*. الطبعة الأولى. بيروت: الحمرا.
- مکاو، حسن عماد مکاو؛ السيد، لیلی (۱۹۹۸م)، *الاتصال ونظریاته المعاصرة*، القاهرة: الدار المصرية اللبنانية.
- منیر، محمد حجاب (۲۰۰۷م)، *الاتصال الفعال للعلاقات العامة*، القاهرة: دار الفجر للنشر والتوزيع.

### لاتین

- Korte, Barbara (1997), *Body language in literature*. University of Toronto press.
- Windle, Rod & Warren, Suzanne (2011). "Communicative Skills": <http://www.directionservice.Org/cadre/section.cofom>.
- Ekman, Paul & Friesen, W.v. (1971). "Constants Across Culture in the Face and Emotion". *Journal of personality and social psychology*, Vol. 17, No. 2.
- Birdwhistell's major works include *Introduction to Kinesics* (Louisville, Ky: university of Louisville press, 1952). *Kinesics and context* (philadelphia: university of Pennsylvania press, 1970).

### Sources and references Farsi

- Makkawi, Hassan Imad Makkawi; Al-Sayed, Laila (1998 AD), *Communication and its Contemporary Theories*, Cairo: The Egyptian Lebanese House. (in persian)
- Mounir, Muhammad Hijab (2007 AD), *Effective Communication for Public Relations*, Cairo: Dar Al-Fajr for Publishing and Distribution. (in persian)
- Fergas, Joseph. P. (1373). *Psychology of social interaction, interpersonal behavior*. Translated by Khashayar Beigi and Mehrdad Firoz Bakht. First Edition. Tehran: Abjad. (in persian)
- Farhani, Ali Akbar (1389). *human relations*. C1. First Edition. Tehran: Times. (in persian)
- Ghaeminiya, Alireza (1389). *Text biology First Edition*. Qom: Research Institute of Islamic Culture and Thought. (in persian)
- Karimi, Ramin (2016). *Body language (non-verbal communication)*. Eighth edition. Tehran: Shlak. (in persian)
- Quilliam, Susan (2018). *Secrets of body language*. Translated by Soraya Sharifi. Fifth Edition. Tehran: The new generation of thinkers. (in persian)
- Giroud, Pierre (2004). *Semiotics*, Translated by Mohammad Nabawi. second edition. Tehran: Ad. (in persian)
- Mohsenian Rad, Mehdi (2015), *Communication Studies*, 4th edition, Tehran: Soroush Publications. (in persian)
- Nabilou, Alireza. (1390). *The application of semiotic theory of Michael Rifater in the analysis of Nima Phoenix's poem. Linguistic research in foreign languages*. Course 1- Number 2. pp. 81-94. (in persian)
- Vadai, Pooya (2019), *Body language engineering*, fifth edition, Tehran: Nesl No Andish. (in persian)
- Wood, Giulianti (1379), *interpersonal communication*, translated by Mehrdad Firoz Bakht, second edition, Tehran: Mehtab. (in persian)
- Arabic**
- Barghout, Ali (2005AD), *persuasive communication, an educational note for third-level students*, Gaza: Al-Aqsa University. (in persian)
- Bani Younes, Muhammad Mahmoud (2007 AD), *The Psychology of Reality and Emotions*, 1st Edition, Amman: Dar Al-Masirah. (in persian)
- Zarzis, Azhar (2019). *Sleeping in the cherry field*. First edition. Beirut: Hamra. (in persian)